

## The Phenomenology of Kotal Ritual in Bakhtiari Tribe\*

Daryoush Rezapour<sup>1</sup> 

### Abstract

#### 1. Introduction

Rituals are an integral part of any society's culture. In today's modern world, human beings are still dominated by religions and beliefs that have their roots in the distant past, and according to Karl Jaspers, human beings today are still indebted to a pivotal period in history; A period in which the ancient religions of the world emerged from the corners of the world in almost a single period and have affected our lives to this day (Jasper, 1998, p. 55). In our society, Rituals, especially mourning Rituals, are formed from pieces of ancient Iran, Islamic culture, and modern world ideas, which have a certain breadth and dynamism and affect a large part of our behavior (Moradkhani and Ghobadi, 2011, p.94). In Dezful city, every year we see rituals that carry a special meaning for the people of each nation. One of these rituals is the Kotal ritual, which is common among the Bakhtiari Tribe living in this city. The present study seeks to answer the questions in a phenomenological way: when does the historical and mythological background of this religion date back to? How is it implemented? What is the experience of people participating in this ritual? How do they understand its meaning and understanding?

#### 2. Methodology

The present research has utilized a qualitative approach and phenomenological method. The studied population includes 17 people

---

\*Date received: 31/05/2021 Date revised: 04/10/2021 Date accepted: 17/10/2021

*Journal of Iranian Studies*, 20(40), 2021

Publisher: Shahid Bahonar University of Kerman



© The Author(s).

1. Assistant Professor, Department of Social Sciences, Payam-e Nour University, Tehran, Iran. Email: d.rezapour@gmail.com

who participated in this ritual between 2015 and 2019. Data were collected using the in-depth interview and purposive sampling methods. For the data analysis, the participants' statements were first recorded and implemented, then carefully listened to and studied several times by the researcher.

### **3. Discussion**

Findings showed that social identity is the product of interactions between different groups. Through rituals, people interact with each other and provide themselves with a fixed identity and point of reliance amid inconsistencies and beliefs, thereby obtaining a sense of identity through getting to know themselves. In this regard, the actions and rites that people perform in this ritual cause their thoughts and beliefs to be connected and aligned. It also creates a kind of social contract in which individuals, through voluntary cooperation, express their efforts to flourish their capabilities for the benefit of the organization or community. Finally, participants believe that in addition to joy and happiness, life also has sufferings and difficulties. Participation in this religion causes the formation of faith in human beings and by interpreting bitterness correctly, it sweetens it, and by leading humans to believe in the resurrection, any pain and suffering inflicted by nature or others, the Almighty God will make up for it in a different way.

### **4. Conclusion**

The findings show that this ritual goes back to the mourning of Siavash, which is especially evident in the ritual of burying the dead. Participants experience a sense of peace of mind by standing together and guarding their social identity; accordingly, society will seek to maintain identity patterns by expanding the social space and removing social barriers and restrictions for different social strata. Despite valuing sorrow, grief, and suffering, the Kotal ritual has institutionalized social and cultural relations and connects generations, passing beliefs, rituals, and oral literature from the past to the present. Participants' behaviors, practices, and etiquettes during the ritual play a meaningful role in the participants' lives. Overall, the participation of the goal community in the Kotal ritual has a mythological-historical background. With voluntary and spontaneous participation in these

rituals, participants seek to give meaning to life while seeking and identifying with their peers. This group of people also strengthens their resilience and tolerance in the face of life's difficulties. In addition, creating unity and strengthening the spirit of solidarity is one of the social functions of individuals' participation in collective rituals and ceremonies; the continuity of Kotal ritual is the proof of this claim.

**Keywords:** Bakhtiari tribe, Identity, Kotal ritual, Phenomenology, Siavash Mourning.

**How to cite:** Rezapour, D. (2021). The Phenomenology of Kotal Ritual in Bakhtiari Tribe. *Journal of Iranian Studies*, 20(40), 169-199.

## پدیدارشناسی آیین کُتل در ایل بختیاری\*

داریوش رضاپور<sup>۱</sup>

### چکیده

آیین‌ها جزء لاینفک فرهنگ هر جامعه‌ای محسوب می‌شوند. بی‌شک حیات ملت‌ها و آداب و رسوم آنان بستگی به تداوم عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی و تاریخی‌شان دارد. در این راستا پژوهش حاضر باهدف تحلیل پدیدارشناختی آیین کُتل بر اساس تجربه‌ی زیسته‌ی مشارکت-کنندگان در ایل بختیاری ساکن شهرستان دزفول انجام شده است. محقق در این پژوهش کیفی از روش پدیدارشناسی، نمونه‌گیری هدفمند و تکنیک مصاحبه عمیق با ۱۷ نفر از طوایف مختلف ایل بختیاری که در این آیین شرکت می‌کردند، برای جمع‌آوری اطلاعات بهره‌جسته است. تمامی مصاحبه‌ها ضبط و بلافاصله روی کاغذ نگاشته و با رویکرد تفسیری تحلیل شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پیشینه تاریخی و اسطوره‌ای این آیین به «سوگ سیاوش» بر می‌گردد. علاوه بر این، ۲۴ مفهوم از مصاحبه‌های انجام‌شده با مشارکت‌کنندگان استخراج گردید که در قالب ۵ مقوله اصلی دسته‌بندی شدند و عبارتند از: «هویت‌جویی»، «وحدت‌بخشی»، «مشارکت خودانگیخته»، «معنابخشی به زندگی»، «تحمل‌پذیری». نتایج پژوهش بیانگر آن است که برگزاری چنین آیین‌هایی در نزدیک کردن افراد و طوایف مختلف به یکدیگر و تأثیرگذاری بر رفتارشان نقش مهمی داشته و موجب تداوم فرهنگ جامعه و آداب و رسوم آنان می‌شود.

\* تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۳/۱۰ تاریخ ویرایش نهایی مقاله: ۱۴۰۰/۰۷/۱۲ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۰/۰۷/۲۵

مجله مطالعات ایرانی، سال ۲۰، شماره ۴۰، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صص ۱۹۹-۱۶۹

DOI: 10.22103/JIS.2021.17676.2182

ناشر: دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی

حق مؤلف © نویسنده‌گان



۱. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: d.rezapour@gmail.com

**واژه‌های کلیدی:** هویت، پدیدارشناسی، آیین کُتل، ایل بختیاری، سوگ سیاوش.

## ۱. مقدمه

### ۱-۱. شرح و بیان مسئله

آیین مانند زبان، استفاده از ابزار، نمادگرایی، و موسیقی از ارکان تشکیل دهنده‌ی انسان بوده که طبق یافته‌های باستان‌شناختی از آغاز بشریت وجود داشته است (استفنسون، ۱۳۹۷: ۹). در دنیای مدرن امروزی انسان‌ها هنوز زیر سیطره‌ی آیین‌ها و باورهایی هستند که ریشه در گذشته‌های دور داشته و به گفته‌ی کارل یاسپرس (Karl Jaspers)، بشر امروز هنوز مدیون دوره‌ی محوری تاریخ است؛ دوره‌ای که ادیان کهن جهان تقریباً در یک دوره‌ی زمانی واحد از گوشه و کنار جهان سر بر آوردند و تا به امروز زندگی ما را تحت تأثیر قرار دادند (یاسپرس، ۱۳۷۳: ۵۵). آیین‌ها، اغلب به رسومی اطلاق می‌شود که برای دست یافتن به اهدافی مشخص به صورت کلامی یا با حرکات و موقعیت‌های کالبدی بسیار نمادین و با تکیه بر اعتقاد به قدرت عمل موجودات یا نیروهای قدسی انجام می‌گیرند. کریستین بل (Christian Bell) معتقد است: «اصطلاح آیین در قرن نوزدهم به مثابه‌ی «مقوله‌ای جهانی از تجربه‌های انسانی» پدید آمد. از این اصطلاح برای «تبیین» دین استفاده شد و سپس ساختارگرایان دریافتند که از آن می‌توانند برای تحلیل «جامعه» و سرشت «پدیده‌های اجتماعی» بهره گرفت» (Bell, 1992:14).

آیین‌های جمعی معمولاً شامل مجموعه به هم پیوسته‌ای از مراسم است که برگزارکنندگان آن با نمایش، حرکات تنظیم شده همراه با استفاده از شمایل و علامت‌های خاص، شبیه‌سازی (گاهی همراه با موسیقی و کلام) در فضای مشخصی به اجرا می‌گذارند و یا طی آن فضاها و اماکن عموماً مقدسی را از طریق مسیرهای ثابت در پیکره سکونت گاه طی می‌کنند. این آیین‌ها ممکن است فصلی و مقارن با دوره‌های باروری گیاهان و یا سالیانه باشند، و یا رویدادی تاریخی را بازسازی کنند (بیتس و پلاگ، ۱۳۹۰: ۱۹۰).

در جامعه‌ی ما، آیین‌ها به خصوص آیین‌های عزاداری و سوگ از پاره‌های ایرانی کهن و فرهنگ اسلامی و اندیشه‌های مدرن جهانی شکل گرفته که از گستردگی و پویایی

خاصی بهره‌مند بوده و بر بخش وسیعی از رفتار ما تأثیر گذاراند. آیین‌هایی که در زندگی قومی مردمان ایران زمین از دیرباز جایگاه مهمی داشته و حکایت از اهمیت این مقوله برای ایرانیان دارد (مرادخانی و قبادی، ۱۳۹۰: ۹۴). برای مثال شهرستان دزفول در شمال خوزستان، با تراکم جمعیتی، تنوع قومی- فرهنگی، وجود آثار باستانی و مذهبی از ادوار مختلف و قرار گرفتن در میان شهرهای همچون شوش، شوشتر و اندیمشک، همواره طی دهه‌های گذشته مرکز تجمع و یکی از محورهای هم‌زیستی اقوام مختلف بوده است. این تنوع قومیتی سبب گردیده تا هر ساله شاهد برگزاری آیین‌هایی باشیم که پیوسته با نمادهای همراه‌اند و برای مردم هر قوم حامل بار معنایی خاصی‌اند و به واسطه شرکت در آنها، برایشان قابل فهم و درک هستند. یکی از این آیین‌ها، آیین کُتل است که در بین قوم لر از جمله بختیاری‌های ساکن شهرستان دزفول رایج است.

آیین کُتل یکی از آیین‌های عزاداری است که به هنگام خاکسپاری بزرگان، سرداران و دلاور مردان ایل بختیاری برگزار می‌شود؛ با این حال طی دهه‌های اخیر شاهد برگزاری آن در روزهای تاسوعا و عاشورا نیز هستیم. در میان مردمان ایل بختیاری این طور پسندیده بوده که برای بزرگ مردانی که از دنیا رفته‌اند، بستگان و خویشاوندان او اسبی را می‌آرایند که به آن اسب<sup>۱</sup> کُتل می‌گویند. بررسی آثار برخی محققان نشان می‌دهد که پیشینه تاریخی و اسطوره‌ای این آیین به «سوگ سیاوش» یا «سیاوشان» باز می‌گردد (مسکوب، ۱۳۵۱؛ حصوری، ۱۳۸۴).

با توجه به اهمیت مطالب ذکر شده، این پژوهش قصد دارد با روشی پدیدارشناسانه و بر اساس تجربه‌ی زیسته (Lived Experience) مشارکت کنندگان در آیین کُتل به تفسیر واقعیت موجود بپردازد و به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش‌هاست که پیشینه‌ی تاریخی و اسطوره‌ای این آیین به چه زمانی باز می‌گردد؟ نحوه‌ی اجرای آن چگونه است؟ افراد چه تجربه‌ای از شرکت در این آیین دارند؟ آن را چگونه معنا و درک می‌کنند؟

**۱-۲. پیشینه تحقیق**

قلی پور (۱۳۹۶) در پژوهشی نشان داده که سوگ در میان ایل کاکاوند سه کارکرد مهم و اساسی دارد: حل منازعه، برساخت تمایزات اجتماعی و همبستگی اجتماعی. نخست، ساختار افقی ایلات و طوایف سبب بروز منازعات زیادی است که در درون نظام‌های بوروکراتیک مدرن قابل حل نیست. سوگ با مکانیسم‌های خاصی در کاستن تنش نقش دارد. دوم، سوگ از طریق مراسمی باشکوه و خواندن نام طوایف، متوفی و جایگاه بازماندگان در برساخت تمایزات نقش دارد. همچنین محلی برای نمایش تمکن مالی است. سوم، سوگ از طریق الزام درونی و مکانیسم جبران همبستگی اجتماعی را افزایش می‌دهد. گیلانی و گیلانی (۱۳۹۳) با استناد به منابع و پژوهش‌های میدانی نشان دادند که کشته شدن مظلومانه‌ی سیاوش، به دست تورانیان، باعث ایجاد نوعی سنت عزاداری در ایران شد که به سوگ سیاوش معروف است و نحوه‌ی برگزاری آن در مناطق در کرد و لرنشین یکسان است و برخی آداب عزاداری، مضامین شعرها، اسب آرایی و ... مشابه هستند. قبادی و علی پور (۱۳۹۱) در پژوهشی نشان دادند آنچه که اهمیت مطالعه کارکردهای مراسم و مناسک دینی را مضاعف می‌کند، آن است که با شناخت ظرفیت‌ها و کارکردهای مراسم دینی می‌توان با برقراری تعادل و توازن میان ابعاد مختلف مراسم، مانند آمیختن عنصر آگاهی و استدلال با احساس و عاطفه، راهی برای افزایش کارآیی مراسم دینی و نیز راهکارهای برای کاهش آسیب‌های اجتماعی یافت. مرشدی زاد (۱۳۸۷) در پژوهشی به این نتیجه رسید که نمادها و آیین‌هایی که در میان جوامع شکل می‌گیرند اهمیت کارکردی دارند. آن‌ها از یک سو نمودار نیاز و ضرورت کارکردی خویش و از سوی دیگر، منعکس کننده‌ی میزان اهتمام و آگاهی مردم به آن نیاز هستند. لذا با استفاده از نمادها و آیین‌ها می‌توان به تقویت هویت ملی اهتمام ورزید. با مروری بر پژوهش‌های انجام شده می‌توان پی برد که بیشتر آن‌ها به توصیف صرف آیین‌ها پرداخته‌اند در حالی که نوشتار حاضر یک آیین (کُتل) را صرفاً از دیدگاه مشارکت کنندگان ایل بختیاری و با استفاده از روش پدیدارشناسی مطالعه می‌کند.

### ۱-۳. ملاحظات مفهومی پژوهش

با توجه به این که پژوهش حاضر با رویکردی کیفی انجام گرفته، محقق خود را به مبنای نظری از پیش تعیین شده محدود نکرده و از نظریه‌های پیش رو بیشتر در زمینه تبیین نتایج به دست آمده استفاده شده است. آیین موضوعی نیست که بتوان به سادگی نادیده‌اش گرفت. برخی از آیین‌ها ممکن است کمابیش برای افراد و یا جوامع و گروه‌های مشخصی مهم باشند؛ کاتولیک‌های مؤمن همیشه در آیین عشای ربانی شرکت می‌کنند، و هوپی‌ها<sup>۲</sup> در طول سال به گونه‌ی شگفت‌انگیزی زمان، پول، و انرژی بسیاری صرف آیین می‌کنند. اما حتی اگر خود را موجوداتی آیینی یا جامعه‌مان را آیین محور در نظر نگیریم، باز هم قطعاً با آیین در طول زندگی روبرو خواهیم شد، درست مثل طلوع و غروب خورشید. مراسم ازدواج، تشییع جنازه، تولد، افتتاحیه، فارغ‌التحصیلی، جشنواره، رژه، عبادت، هدیه‌دادن در زیست جهان‌های اجتماعی و شخصی ما نفوذ دارند. آیین‌ها شخصیت ما را شکل می‌دهند، و آداب و رسوم مختلفی را تجربه می‌کنیم که نشاط آور یا کسل کننده، استثمارگرانه یا توانمندسازانه، خلاقانه یا رو به زوال، هستند. اندیشیدن به آیین به معنای کاوش در جایگاه، قدرت و ظرفیت آن در جامعه و زندگی ماست (استفسون، ۱۳۹۷: ۱۰-۹).

به باور امیل دورکیم آیین ابزاری است که اجتماعات پیوسته «در آن واحد عقاید و آرمان‌های جمعی را خلق، تجربه و تأیید می‌کنند». او معتقد است که آیین‌ها یکی از ابعاد یکپارچگی در جامعه است و در آن‌ها با اختیار کردن گروهی از ظوابط و نقش‌ها در چارچوب نظامی که به بیان در می‌آورد پیوند اجتماعی یکپارچه کننده را تقویت می‌کند. در نهایت دورکیم کارکرد آیین‌ها را در حفظ نظم اجتماعی می‌داند که به خصوص از طریق عاطفه و همبستگی تجلی پیدا می‌کند (ریویر، ۱۳۸۶: ۲۶۲).



میرچا الیاده معتقد است که «اعمال آیینی این ویژگی را دارند که زمان حال را به زمان اساطیری پیوند می‌دهند، زمانی که ناظر واقعه‌ای بود هر قدر کهنه و دیرینه، چون با برگزاری آیین مورد نظر آن را یادآوری و تکرار می‌کنند» (الیاده، ۱۳۹۴: ۸۲).

این در حالی است که وان جنپ (Van Gennep) انسان‌شناس بلژیکی، معتقد است که مناسک در لحظه‌ای حساس زندگی انسان که گذار از یک وضعیت به وضعیت دیگر انجام می‌گیرد به منظور تثبیت این گذار انجام می‌گیرند. تغییر موقعیت‌هایی همچون تولد، بلوغ، ازدواج، مرگ چنان در زندگی انسان‌ها مهم بوده‌اند که اشکال مناسب ویژه‌ای را به وجود آورده‌اند. وی در مناسک گذار سه مرحله‌ی قابل تفکیک را مشاهده کرد: اول مرحله‌ی «گسست» یا «پیش‌گذار، دوم مرحله «گذار» و سوم مرحله «پیوند دوباره» یا «پساگذار». به باور وان جنپ هر چند در بسیاری از آیین‌های گذار ما هر سه مرحله را می‌بینیم اما به شدت هر مرحله بنا بر نوع منسک متفاوت است، چنان که در مراسم مرگ، مرحله‌ی نخست، و در مراسم تولد، مرحله دوم قدرتمندتر هستند و تأکید بیشتری بر آن‌ها انجام می‌شود (فکوهی، ۱۳۹۸: ۲۶۱).

به اعتقاد کلیفورد گیرتز، اجرای آیین‌ها و مراسم دینی در یک بافت مشترک معنایی با رفتار دیگران قرار دارد و از این جهت عواملی مؤثر در زندگی انسان‌ها به‌شمار می‌آیند که معنادهنده و جهت‌بخش هستند (Geertz:2004:4). به باور او آیین‌ها و اسطوره‌ها مهم‌اند، اما نه به این دلیل که نظم اجتماعی و مهمتر از آن جهان بینی گروه‌های اجتماعی را باز می‌نمایند؛ بلکه به این دلیل که آن را می‌سازند و به مردم الگویی برای شناخت واقعیت می‌دهند (رود نبولر، ۱۳۸۷: ۱۶). مری داگلاس (Mary Douglas) انسان‌شناس بریتانیایی معتقد است گروهی از مناسک، به ویژه مناسک گذار و مناسک شبیه به آن‌ها را باید مکانیسم‌هایی برای کاهش تنش و ایجاد آرامش برای بازگشت به نظم و موقعیت «عادی» تلقی کرد (فکوهی، ۱۳۹۸: ۲۶۴).

اروینگ گافمن نیز بر این باور است مناسک اطمینان و اعتماد ما را در روابط اجتماعی حفظ می‌کنند. در واقع اهمیت و ارزش مناسک در این است که فرصت‌هایی را برای ما

وجود می‌آورد تا مشروعیت موقعیت را در ساختار اجتماعی تأیید کنند. در واقع مناسک نوعی سازوکار گمارشی است که از طریق زیردستان اجتماعی تا حد زیادی موقعیت‌های بالاتر فرادستان شان را تأیید می‌کنند. میزان مناسک موجود در جامعه، مشروعیت ساختار اجتماعی آن جامعه را منعکس می‌کند. زیرا شأن و منزلتی که از طریق مناسک به افراد ارائه می‌شود، همچنین نشانه‌ای از منزلت نقش‌هایی است که آن افراد بر عهده می‌گیرند (ریترز، ۱۳۸۹: ۳۳۶).

#### ۱-۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی انجام شده است. در پژوهش کیفی، روش‌های آماری برای تجزیه و تحلیل داده‌ها به کار نمی‌رود و فرضیه‌ای از پیش مشخص برای آزمون وجود نخواهد داشت (Glaser & Strauss, 1967). جامعه‌ی مطالعه‌شده، شامل افرادی است که بین سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ در این آیین شرکت کرده‌اند. گردآوری اطلاعات با استفاده از فن مصاحبه‌ی عمیق، و روش نمونه‌گیری هدفمند (Purposive Sampling) انجام شد. با توجه به ارتباط حجم نمونه در پژوهش‌های کیفی با سطح اشباع داده‌ها (Data Saturation)، فرایند مصاحبه با نمونه‌ها، تا اشباع داده‌ها ادامه پیدا کرد و نهایتاً به ۱۷ نفر (جدول ۱) رسید. بنا بر ملاحظات اخلاقی، مصاحبه‌شوندگان در جریان اهمیت و اهداف تحقیق، اختیار در انجام مصاحبه و ادامه‌ی آن، ضبط و ثبت صحبت‌هایشان قرار گرفتند. تلاش شد تا حد امکان فضای مصاحبه در اختیار افراد مورد مطالعه قرار گیرد. مصاحبه‌ها با سؤالات باز عمومی درباره‌ی زمان برگزاری آیین شروع شدند. سپس، به پرسش‌های تکمیلی و غیرمستقیم، برای تشویق و دستیابی به توضیحات بیشتر می‌پرداختیم. تمام مصاحبه‌ها به زبان بختیاری، انجام شدند، و میانگین زمانی انجام هر مصاحبه ۴۵ دقیقه بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها ابتدا اظهارات مشارکت‌کنندگان ضبط و پیاده‌سازی شد، سپس چندین بار توسط محقق با دقت شنیده و مطالعه -

شدند. برای شناسایی جمله‌ها و مفاهیم کلیدی موجود در متن، متن مصاحبه‌ها خط به خط و کلمه به کلمه بررسی و به هر جمله یا کلمه‌ی کلیدی یک کد داده شد و کدهای اولیه مشابه در یک طبقه جای داده شدند تا طبقات اولیه شکل بگیرند. این مفاهیم مجدداً در هم ادغام گردیدند تا مقوله‌های اصلی را تشکیل دهند. با توجه به این مقوله‌ها، مؤلف پرسش‌های تحقیق را ارزیابی نموده تا تجربه‌ی مشارکت‌کنندگان را از شرکت در این آیین قرار دهند. سپس، مقوله‌ها توضیح داده و تفسیر شدند. بدین ترتیب، پس از آنکه مؤلف، داده‌ها را کدگذاری و طبقه‌بندی می‌کرد به کمک یکی از همکاران با تجربه در زمینه‌ی پژوهش کیفی، میزان دقت در مورد کدها و طبقات بررسی می‌شد و سرانجام، چندین بار نوشته‌ها و دسته‌بندی‌ها برای اصلاح و اطمینان از صحت مفاهیم و مقولات شناسایی شده مورد بررسی قرار می‌گرفت. در واقع، درگیری مداوم محقق با میدان مطالعه و مشارکت‌کنندگان تأییدکننده اعتبار تحقیق و همچنین، تأیید مفاهیم و مقولات به‌دست آمده از متن مصاحبه‌ها از سوی سه نفر از مشارکت‌کنندگان (کنترل یا اعتباریابی از طریق اعضاء) نشان‌دهنده‌ی تأییدپذیری داده‌ها و نتایج تحقیق بوده است.

جدول ۱: مشخصات جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش

ردیف	سن	وضعیت تأهل	سطح تحصیلات	وضعیت اشتغال
۱	۶۰	متأهل	بی سواد	بازنشسته
۲	۵۴	متأهل	ابتدایی	مغازدار
۳	۳۹	مجرد	لیسانس	معلم
۴	۶۵	متأهل	بی سواد	بازنشسته
۵	۵۰	متأهل	لیسانس	کارمند
۶	۵۲	متأهل	ابتدایی	کشاورز
۷	۴۱	متأهل	بی سواد	کارگر
۸	۴۵	متأهل	ابتدایی	قصاب
۹	۴۰	متأهل	لیسانس	معلم
۱۰	۳۶	مجرد	ابتدایی	کشاورز
۱۱	۴۷	متأهل	دیپلم	مکانیک
۱۲	۲۸	مجرد	فوق لیسانس	دانشجو
۱۳	۳۳	متأهل	راهنمایی	کاشی کار
۱۴	۴۳	مجرد	دیپلم	آرایشگر

نگهبان	دیپلم	مجرد	۲۶	۱۵
معمار	لیسانس	متاهل	۵۵	۱۶
دامدار	دیپلم	متاهل	۴۸	۱۷

## ۲. بحث و بررسی

### ۲-۱. پیشینه تاریخی و اسطوره‌ای

«سیاوشان» نام آیین و نیز اماکنی است که در آن‌ها سوگ سیاوش برگزار شده است. کهن‌ترین یادگار این آیین دیوارنگاره‌ی کشف شده درحوالی سمرقند در تاجیکستان و مربوط به قرن سوم پیش از میلاد است. این نگاره سیاوش یا پیکره‌ی نمادین او را در یک عماری حجله مانند که عده‌ای نیز آن را بر دوش می‌کشند، نشان می‌دهد که مردان و زنان سوگوار گریبان دریده، گریان و بر سر و روی زنان پیرامون آن گرد آمده‌اند. آیین سوگ سیاوش و ستایش آیینی او در سراسر آسیای مرکزی، به ویژه از دوره‌ی هخامنشی چنان اهمیت داشته، که تولستوف، محقق روس، در آثاری مانند تاریخ سیاوشان خوارزم (۱۹۴۵) و خوارزم باستان (۱۹۴۷) از یک دوره در تاریخ تمدن این سرزمین با عنوان «سیاوشان» یاد می‌کند (قائمی، ۱۳۹۳: ۱۵۸-۱۵۷). حصوری (۱۳۸۴) بر این باور است که آثار برگزاری سیاوشان را روستاهای سیاوشان در تمام ایران، مسجد سیاوشان در شیراز و آیین‌های سیاوش در بین عشایر تا غرب کردستان، می‌توان دید. «شواهدی آشکار حکایت از آن دارد که سیاوش نخست اسب بوده و از آن جا که آثار آن مخصوصاً در آیین تدفین مردگان بارزتر است، به اعتقادی توتمیگ تعلق دارد. در اوستا سیاوش همان فرزند کاووس و پدر کیخسرو است که در روایت اوستا به خیانت کشته شده است» (حصوری، ۱۳۸۴: ۲۹). در روایات ایرانی (مثلاً در شاهنامه<sup>۴</sup>) سیاوش برای فرزندش کیخسرو، سه چیز باقی می‌گذارد: اسب، نیزه و زره. سیاوش به اسب خود وصیت می‌کند و کیخسرو را به او می‌سپارد. حال، اسب نشانه‌ی وفاداری به توتم و نگهداری آن است. یعنی از توتم خواسته شده که یکی از فرزندانش را محافظت کند. بخش دیگری از سیاوشان،

اسطوره‌ای است معروف، اسطوره مرگ و زندگی، پژمردن و بهار کردن که نمونه‌هایی در آیین‌های دیگر چه در آسیا، چه در آفریقا و چه در آمریکای جنوبی دارد. در این داستان خزان کامل (مرگ سیاوش) و بهار پس از آن (تولد کیخسرو پس از مرگ سیاوش) و نیز رفتن سیاوش به درون آتش (به نشانه‌ی خزان) و زنده آمدن او (بهار) دیده می‌شود(همان: ۴۳-۴۴).

## ۲-۲. چگونگی اجرا

این آیین بخشی از آیین‌های عزاداری برای بزرگان و دلاورمردان ایل بختیاری است؛ که در جنگ و نبرد و یا بر اثر حادثه‌ای فوت می‌کنند. معمولاً چنین مرسوم است که در روز تشییع جنازه بستگان و خویشاوندان متوفی اسبی را می‌آریند که به آن اسب کتل می‌گویند. نحوه بستن کُتل که توسط افراد مسن و با تجربه انجام می‌شود بدین صورت است که ابتدا اسب را با حنا و سرمه آرایش می‌کنند، سپس وسایل و تجهیزات رزمی متوفی را همانند تفنگ، کمریند، شمشیر، گرز و قطار فشنگ، چکمه جمع آوری می‌کنند. سپس اسب کُتل را خوب تمیز کرده، بر آن زین می‌بندند. بعد از آن پارچه‌ای هفت رنگی بر روی گردن اسب می‌اندازند که به دامنش سکه دوخته است و پس از آن دستمال سیاه رنگی بر روی اسب می‌کشند؛ به گونه‌ای که هیچ مقدار از زین و برگ پیدا نباشد. آن گاه مقداری گلاب یا گل خشک شده سابقاً همراه با مقداری کاه خشک بر روی اسب می‌پاشند. پس از آن، تفنگ و شمشیر را روبروی هم به زین بسته، قطار فشنگ را بر روی آن آویزان می‌کنند. همچنین پارچه‌هایی رنگین، بیشتر به رنگ‌های سبز، زرد، قرمز، آبی و سفید بر گردن اسب انداخت می‌شود. بر افسار اسب نیز منگوله‌های رنگینی بسته می‌شود. پس از این اسب کتل شده را به این شکل و به آرامی به مافگه می‌برند<sup>۵</sup>(مددی، ۱۳۷۸: ۵۷). مافگه در اصل بنای یادبودی است که عشایر و کوچ نشینان آن را به یاد شخصی از آنان که به هنگام کوچ فوت کرده او را در همان محلی که فوت کرده، دفن کنند، در عوض قبر اصلی، در نزدیک سیاه چادر مرحوم، سکویی سنگی به نام

«مافگه» بنا می‌کنند تا بازماندگان جهت قرائت فاتحه و عزاداری بر گرد آن جمع گردند (ارشادی فارسانی، ۱۳۸۸: ۵۲).

### ۲-۳. تحلیل نمادشناختی آیین کُتل:

در هر جامعه‌ای آیین‌ها، مناسک، باورها و اسطوره‌های متفاوتی در مورد مرگ و جهان پس از آن و نحوه برخورد با آن وجود دارد. هر کدام از این جوامع متناسب با خرده فرهنگ خود به شیوه‌ای خاص به تدفین و سوگواری در گذشتگان‌شان می‌پردازند. یکی از این شیوه‌ها، برگزاری «آیین کُتل» در ایل بختیاری است. در این آیین، اسبی که در همه زندگی فرد متوفی وجود داشت طبق رسم می‌بایست پارچه‌ای سیاه رنگ بر رویش بیندازند و به اصطلاح آیین کُتل را اجرا کنند. اسب که نماد وفاداری و نجانب است در طول تاریخ همواره نقش مهمی در زندگی قهرمانان داشته است. مثلاً اسب سیاوش (شبرنگ)، اسب امام حسین (ذوالجناح) و اسب رستم (رخش)، همگی نماد وفاداری و قهرمانی هستند. اسبی که به گونه‌ای خاص با حنا زینت داده می‌شود و تفنگ و شمشیر و گرز هم که آثار به جا مانده از قهرمان‌اند. این نمادها علامت سلحشوری‌اند و ما را به گذشته حماسی و اساطیری‌مان پیوند می‌دهند.

در این آیین بریدن دم اسب، بریدن گیسوی زنان<sup>۶</sup>، آرایش نکردن و ریش گذاشتن مردان رسم است و باید اجرا شود. بریدن دم اسب را مقایسه کن با بریدن گیسوی زنان این دو یک چیز هستند. گویی پس از مرگ قهرمان، اسب او هم باید بمیرد، بریدن دم اسب نمادی از مرگ اسب اوست. بریدن دم اسب و بریدن گیسوی زنان، نماد بی‌خطری از خودکشی هستند. پس از مرگ قهرمان، اسب و زن او یا مادر او هم باید بمیرند. بریدن گیسو، و بریدن دم اسب که خطر جانی ندارد مرگ را نمادینه می‌کنند.<sup>۷</sup> گویی قهرمان که رفته است و دیگر کمالی و زیبایی و هماهنگی در کار نیست و وضعیت امور ناقص شده است. به نظر همه این‌ها نشانه اختلال و آشوب است. زیرا که نظم عادی امور دچار اختلال

شده است. برای مثال بر عکس گذاشتن زین اسب هم همین است؛ و نشان دهنده وارونگی هستی است. لذا با مرگ قهرمان همه چیز از نظم به آشوب رسیده است.

#### ۲-۴. استخراج و تحلیل مقولات:

نوشتار حاضر با هدف تحلیل پدیدارشناختی آیین کُتل در ایل بختیاری ساکن دزفول با رویکرد کیفی انجام شده است. در فرایند تحلیل و کدگذاری داده‌ها، بیست و چهار مفهوم استخراج شد که در قالب پنج مقوله دسته‌بندی شدند. جدول شماره ۲، مفاهیم، مقولات به-دست آمده را نشان می‌دهد.

جدول ۲: مفاهیم و مقوله‌ها

مقولات اصلی	مفاهیم
هویت جویی	تعهدپذیری، تأییدپذیری، جمعی‌گرایی، تقویت تعلق مکانی، پذیرش رسوم، اجرای آیین
وحدت بخشی	وفاق، عاطفه جمعی، پیوند بین نسلی، تنش‌زادی، ارزش‌های مشترک
مشارکت خودانگیزانه	تقسیم‌کار، رضایتمندی، همیاری، حمایت شدن
معنابخشی به زندگی	احساس آرامش، افزایش اعتمادبه‌نفس، احساس خوشبختی، قربانی کردن
تحمل‌پذیری	تسلی‌بخشی، صبر و بردباری، فداکاری و شجاعت، تاب‌آوری، اطمینان قلبی

#### ۲-۴-۱. هویت جویی

هویت اجتماعی محصول تعامل میان گروه‌های مختلف است. افراد از طریق آیین‌ها، با هم در کنش متقابل‌اند و هویت و نقطه اتکای ثابتی در بحبوحه ناسازگاری‌ها و عقاید برای خود فراهم می‌آورند و بدین وسیله، با کمک به شناخت خود، احساس هویت جویی را ایجاد می‌کند. مشارکت‌کنندگان در مواجهه با دشواری‌های زندگی، با نمایش باورداشت-های خود در قالب شعائر مذهبی نوعی تجدید میثاق با ایمان قلبی خویش می‌کند و با آن احساس آرامش می‌کنند.

آیین‌ها به مشارکت‌کنندگان کمک می‌کند تا با تعهدی که افراد نسبت به هم دارند به فرزندان خود آموزش دهند که در آیین و مناسک بین خود و اقوام دیگر تبعیض قائل نشده

و در امور مختلف و به همدیگر کمک کنند. در این رابطه محمد<sup>۱</sup> ۳۶ ساله و کشاورز می-گوید: «من از کودکی با پدرم در این مراسم شرکت می‌کنم. همون جویری که خانواده می‌گفت حتماً باید رفتار می‌کردم. من الان دیگه افسار یکی از اسب‌ها را می‌گیرم و در میدان می‌چرخانم. برا این که نشان بدم من هم تو این مراسم هستیم».

هویت اجتماعی به رابطه میان خود و دیگران در متن جامعه اشاره دارد که در پرتو تعامل افراد با یکدیگر شکل می‌گیرد. تجربیات و میراث مشترک، برخورداری از آرمان‌ها و باورهای مشترک و مهم‌تر از همه شرکت در آیین‌ها به افراد هویت جمعی می‌بخشد. در این رابطه حسین ۴۳ ساله و آرایشگر می‌گوید: «شرکت در این آیین سنتی را دوست دارم چون معتقدم با این کار به دیگر افراد ثابت می‌کنم که سهمی در آیین دارم و ارادتم را نیز به خانواده متوفی نشان می‌دهم».

آیین کُتل برای مشارکت کنندگان اسبابی برای ابراز وجود و حضور اقشار مختلف در میان جمع است. به خصوص در جامعه‌های که راه‌های ابراز هویت افراد بسیار کم و اندک است و هر راه برون رفتی از این وضعیت می‌تواند امکانی برای ابراز وجود باشد. چنانکه علی ۳۹ ساله و معلم در مصاحبه‌ی خود بیان نمود: «وقتی این مراسم شروع می‌شود، من و دوستانم در محله جمع می‌شیم تا تدارک لازم را برای برگزاری مراسم انجام بدیم. در این بین هر کسی با هر سن و سالی در این مراسم مشارکت دارد و به نوعی به دنبال نشان دادن و ابراز وجود خود است».

«تقویت تعلق مکانی» به عنوان مفهومی که با مقوله‌ی هویت جویی در ارتباط است، شامل حس وطن دوستی و نوع دوستی نسبت به شهر و محل زندگی در بین مشارکت کنندگان می‌باشد. از نظر مشارکت کنندگان شرکت در آیین‌های بزرگ و

۱. بنا بر ملاحظات اخلاقی، در این پژوهش از اسامی مستعار استفاده شده است.



مشترک حس تعلق به زادگاهشان را تقویت می‌کند. در این خصوص محمدعلی ۵۵ ساله و معمار می‌گوید: «تهران زندگی می‌کنم ولی وقتی بفهمم یکی از بزرگان فوت کرده خیلی سریع به زادگاهم میام تا در جمع فامیل قرار گیرم».

فرهنگ هر جامعه‌ای، ترکیبی از اعتقادات، باورها، آئین‌ها و به‌طور کلی شیوه‌ها و الگوهای زندگی است که در طول تاریخ توسط پیشینیان ساخته و پرداخته شده و طی فرایند جامعه‌پذیری از نسلی به نسل دیگر منتقل شده، و موجب تداوم و حفظ الگوهای اجتماعی و فرهنگی در جامعه می‌باشد. شرکت در این آیین فرصتی برای والدین فراهم می‌آورد تا فرزندان خود را با آداب و رسوم پیشینیان آشنا کنند. همچنین، شرکت در آیین‌ها فرصتی برای والدین است تا از آن به عنوان یک کلاس آموزشی برای فرزندان خود استفاده کرده و آنان را با آداب و رسوم آشنا کرده و یاد بگیرند که در چنین مواقعی چه واکنشی از خود نشان دهند. کاظم ۶۵ ساله و بازنشسته در این خصوص می‌گوید که: «من هر وقت در مراسم سوگ اقوام (کُتل) شرکت می‌کنم پسرانم رو با خودم می‌برم تا در این مراسم شرکت کنن و تا ببینن که چطور اقوام دیگر همراه با توشمال (نوازندگان محلی) برا عرض تسلیم میان. چون معتقدم اون‌ها تو این شرایط آداب و رسوم را یاد می‌گیرن و اگر روزی من نبودم خودشون بتونن با دیگر اقوام و طوایف هماهنگ بشون و برا عرض تسلیم در مراسم اون‌ها شرکت کنن».

## ۲-۴-۲. وحدت بخشی

اعمال و مناسکی که افراد به هنگام شرکت در آیین‌ها انجام می‌دهند، سبب پیوستگی افکار و اعتقادات آن‌ها نسبت به یکدیگر و هم سو کردن آنان می‌شود. در میان اعضای ایل بختیاری ساکن شهرستان دزفول به هنگام برگزاری آیین‌های مختلف همچون آیین کُتل طوایف مختلف با همدیگر گروه‌های را تشکیل می‌دهند که سبب نزدیکی آن‌ها به یکدیگر است. رمضان ۵۵ ساله و مغازه دار در مصاحبه خود می‌گوید: «هرگاه این مراسم شروع میشه، همسایگان و اهالی محله فرق نمی‌کند از کدام طایفه و عشیره باشن همه با هم

جمع میشن و وسایل و لوازمات را آماده‌ی برگزاری مراسم می‌کنن. حتی خودم دیده‌ام که کسانی که با هم قهر بودن در حین برگزاری آن با هم آشتی کردن».

یکی دیگر از مفاهیمی که موجب وحدت بخشی در جامعه‌ی مورد مطالعه می‌شود، عاطفه جمعی (Collective Emotion) است. دور کیم، احساسی را که در میدان تعاملی به وجود می‌آید، عاطفه جمعی می‌نامد. به باور او، عاطفه جمعی عمیق، اکثراً طی مناسک جمعی به وجود می‌آید و بدین نحو موجب تحکیم همبستگی جمعی می‌شود (از کیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۱۸۰). مناسک و آیین‌ها غالباً موقعیت‌هایی را برای ترغیب عواطف مناسب در بین مشارکت‌کنندگان به وجود می‌آورند. در بین اعضای ایل بختیاری برگزاری آیین گنل علاوه بر نمایش سنت‌های گذشتگان، نوعی مهرورزی متقابل در بین مشارکت‌کنندگان به وجود می‌آورد. در این رابطه مظفر ۲۸ ساله و دانشجو می‌گوید: «همیشه با پدرم در این رسم شرکت می‌کنم. بعد از تمام شدن مراسم خدا را شکر می‌کنم که توانستم به لطف او همانند دیگر اعضای فامیل و دوستان در این مراسم شرکت کنم».

مراسم مذهبی توان تجمع نسل‌های مختلف را دارد. بخش‌ها و آیین‌های متنوعی که در این مراسم‌ها وجود دارد سبب تماس و تجانس و برقراری ارتباط بین نسل‌های مختلف می‌گردد. این مهم را در ایل بختیاری می‌توان به راحتی مشاهده کرد. به خصوص در بین محله‌ها و طوایف مختلف که در زمان برگزاری آیین گنل این پیوند و نزدیکی به حد بالایی خود می‌رسد. برای نمونه رضا ۳۳ ساله و کاشی‌کار می‌گوید: «در این مراسم همه تپ آدم می‌بینی، پیر و جوان و نوجوان حتی بچه‌های خردسال ... بارها دیدم که برخی از کوچکترها در مورد مسائلی از بزرگترها سوالاتی کردن. این خیلی خوبه برا ماها که حداقل با خواسته‌های جوانترها آشنا بشیم اون هم تو همچین رسومی».

در واقع، کنش‌های دینی با ایجاد شرایط برابر و یکسان برای همه افراد مشارکت‌کننده، روح تعاون و مددکاری اجتماعی را در آن‌ها تقویت می‌کنند و بزرگداشت شعور جمعی توصیف مناسبی برای این حالت است. در این رابطه جعفر ۵۲ ساله و کشاورز می‌گوید: «

طوایف مختلف ساکن دزفول بر سر زمین‌های خود با همدیگر مشکلات و درگیری‌های ملکی دارند. بارها شاهد بوده‌ام که وقتی یکی از بزرگان طوایف فوت کرده همه کدورت-ها را کنار گذاشته و در این آیین شرکت کرده و همه اختلافات را به فراموشی سپردند». بنابراین شرکت در آیین‌های سوگواری ممکن است در ظاهر برای مردمی که آن‌ها را انجام می‌دهند چندان سودی نداشته باشند، اما در واقع این مناسک می‌تواند کارکرد بنیادی همبستگی گروهی داشته باشند و به ادغام رفتار فردی و یک ساختار گروهی کمک کنند.

### ۲-۴-۳. مشارکت خودانگیخته

مشارکت به لحاظ نقطه شروع و شکل‌گیری می‌تواند خصلت خودانگیخته داشته باشد. در مشارکت خودانگیخته مشارکت به صورت خودجوش و نهادی در بین افراد یک جامعه وجود دارد. این نوع از مشارکت در واقع نوعی قرارداد اجتماعی محسوب می‌شود که در آن افراد با همکاری داوطلبانه، کوشش‌های خود را برای شکوفایی توانایی‌های خود به نفع سازمان یا جامعه ابراز می‌کنند. در این حالت، افراد معمولاً مسئولیت‌پذیری در راستای منافع دیگران را در اولویت قرار می‌دهند. بهرام ۴۵ ساله و قصاب در این رابطه می‌گوید: «در زمان برگزاری این رسم وقتی می‌خواهیم برای شرکت کنندگان نهار یا شام دست کنند من هم بهشون کمک می‌کنم. بعد از آماده شدن غذا، آن را در بین مردم تقسیم می‌کنیم. من این کار را از روی اخلاص انجام میدم».

«آیین ابزاری است که جمع به وسیله آن عقاید جمعی خود را خلق و آنها را تجزیه می‌کند و در این فرایند است که ذهن و جسم به وحدت می‌رسند و توامان در ابزار معنا مشارکت می‌کنند» (رودنبولر، ۱۳۸۷: ۱۵). منصور ۲۶ ساله و نگهبان می‌گوید: «هر وقت در آیین سوگ بزرگان ایل شرکت می‌کنم همانند افراد مسنی همچون پدر و مادر یا عموهایم گریه و زاری نمی‌کنم ولی از این که در جمع هم‌تبارانم هستم احساس رضایت می‌کنم و با اعضای فامیل که به دلیل زندگی شهرنشینی از آنها دور بوده‌ام دیدار تازه دارم».

مشارکت کنندگان با باورهای دینی مشترک، رفتارهایشان را همسو و منطبق بر یکدیگر انجام می دهند؛ در واقع به باورها هدف می بخشند، لذا انگیزه و امید ایجاد می کنند. انگیزه-ها از نظر مردم، نیروهایی هستند که شوق رسیدن به اهداف را به دنبال دارند. بنابراین داشتن هدف مشترک و انجام اعمال مشترک، اهداف انسانها را به هم پیوند می دهد و سبب همیاری و همکاری بیشتر آنان می شود. در این رابطه موسی ۴۸ ساله و دامدار می گوید: «اسب اصیلی دارم که دوستان و همبازانم به وقت مرگ یکی از بزرگان آن را با پارچه و تفنگ تزئین می کنند. وقتی نوازندگان ساز چپی می نوازند من اسب را به دور جایگاه می چرخانم. با این کار حس خوبی بهم دست می دهد چون که با کمک من مراسم بهتر برگزار شده...».

به این ترتیب برگزاری آیین های جمعی که همه ی طوایف در آن مشارکت دارند با توجه به ماهیت گروهی این آیین ها موجب همگرایی و رابطه ی صمیمانه در بین مشارکت کنندگان می شود. و این خود گامی مهم در جهت مشارکت خودانگیخته است. اصغر ۴۷ ساله و مکانیک در مصاحبه خود بیان داشت: «پدرم فوت کرده بود ... پسر عموها و دیگر فامیل بانی مجلس ختم شدند ... خیلی برای برگزاری مراسم خرج کردیم . خوب طبق رسم هر کسی در حد توانش پول داد که ما بهش می گیم سرباره. با این کار آدم حس می کنه همیشه حامی داره».

بدینسان اهمیت و ارزش کار گروهی به خصوص در شهرهای که از قومیت های مختلفی تشکیل شده، در این است که مبتنی بر بنیان هایی چون اعتماد به سایر اعضای گروه، احساس دین، وظیفه و تعهد نسبت به دیگران، پذیرش مسئولیت و ترجیح اهداف و منافع جمع بر اهداف و منافع فردی. کار گروهی، آنگاه که به نتیجه مطلوب برسد، افتخار و حس خوشایند موفقیت را نصیب همه می کند.

## ۲-۴-۴. معنا بخشی به زندگی:

معنا بخشی به زندگی یعنی تفسیری وجودی که افراد از تمام تجارب زیسته‌ی خود اعم از رنج، خوشبختی، بی‌عدالتی، شر، سردرگمی و ... در قالب نظمی نمادین فراهم می‌آورند، به شیوه‌ای که کل هستی را در طرحی هدفمند توجیه‌پذیر می‌سازد. شرکت‌کنندگان در آیین‌ها، فرایندی را طی می‌کنند که دلبستگی به آیین‌ها و نمادهای فرهنگی را در بین مشارکت‌کنندگان بیشتر می‌کند. به طوری که افراد معتقد به باورهای دینی، کم‌تر در معرض خطر حوادث زندگی هستند. چنان‌که اکبر ۴۰ ساله و معلم می‌گوید: «دوست دارم که در این مراسم حضور داشته باشم چون بر روی روحیه‌ام اثر داره به طوری که وقتی مراسم تمام میشه و به خانه میام احساس سبکی و آرامش می‌کنم».

آیین‌ها روح امید و اعتماد به نفس را به افراد جامعه تزریق می‌کنند، این که همیشه آینده‌ای وجود دارد و برای آن می‌توان تلاش کرد؛ و به نوعی شادمانی درونی و مذهبی را به افراد باز می‌گرداند. این مهم منوط به یافتن معنا در زندگی است که در گرو شناخت هستی و خالق و شناخت خود به عنوان جزئی از این مجموعه‌ی هستی است. مشارکت‌کنندگان در آیین کُتل احساس می‌کنند که وقتی در آن شرکت می‌کنند، کم‌تر در معرض خطر حوادث زندگی هستند. زیرا برای آنان کارکردی همچون افزایش اعتماد به نفس به همراه دارد. در این رابطه محمود ۴۱ ساله و کارگر می‌گوید: «وقتی در مراسمی به این عظمت شرکت می‌کنم به یاد صبوری و تلاش‌های متوفی در زندگی می‌افتم ... با این یاد، امید در دلم زیاد می‌شه و تلاشم برای رسیدن به هدفم بیشتر می‌شه».

گاهی وجود ما لبریز از خوشی‌ها و ناخوشی‌هایی است که خودمان در ذهن مان پدید آورده‌ایم. در واقع خیلی وقت‌ها، حاشیه‌ها هستند که زندگی و تعاریف ما را می‌سازند. برخی از افراد ایده آل خود را در ثروت، بعضی در داشتن روابط پرمعنا و گروهی در کمک به دیگران می‌بینند. ماهیت آیین‌های سوگواری به گونه‌ای است که آدمی می‌تواند نگرش خود را به مفهوم خوشبختی را ارزیابی کند. در این رابطه ابراهیم ۵۰ ساله و کارمند می‌گوید: «مرگ حق است و دیر یا زود به سراغ همه می‌آید. وقتی در این مراسم شرکت

می‌کنم احساس خوشبختی به من دست می‌دهد که هنوز فرصت زندگی دارم و می‌توانم برای رسیدن به آرزوهایم تلاش کنم».

لذا مشارکت کنندگان در آیین‌های سوگ برای دفع بلا و خطر از زندگی افراد دست به اعمال پیشگیرانه‌ای از جمله قربانی کردن (Sacrifice) گوسفند می‌زنند. هاشم ۶۰ ساله و بازنشسته در مصاحبه‌ی خود می‌گوید: «ما همیشه در چنین مراسمی گوسفند قربانی می‌کنیم. چون معتقدیم با این کار موجب دفع بلا و دوری خطر از زندگی طایفه می‌شه».

#### ۲-۴-۵. تحمل پذیری

مشارکت کنندگان در آیین کُتل بر این باور هستند که زندگی در کنار خوشی‌ها و شیرینی‌ها؛ رنج‌ها و سختی‌هایی هم دارد. شرکت در این آیین موجب شکل‌گیری ایمان در انسان می‌شود و با تفسیر درست تلخی‌ها، آن را شیرین می‌گرداند و با اعتقاد به رستاخیز باور دارد هر درد و رنجی که از ناحیه طبیعت یا دیگران به انسان می‌رسد، آفریدگار متعال به گونه‌ای دیگر آن را جبران خواهد کرد. در این رابطه اکبر ۴۰ ساله و معلم می‌گوید: « باید همه‌ی طوایف رو برا مراسم تشیع و خاک خبر کنیم. اون هم به وسیله‌ی نامه یا پیامک. برگزاری هم طبق سن و جنس متوفی فرق داره. مثلاً وقتی یکی از بزرگان طایفه‌ی ما فوت می‌کنه طبق رسمی قدیمی برایش اسب کُتل می‌کنیم. بعد همراه با ساز چپی همه مردان و زنان طایفه گریه و زاری می‌کنن. چون این کار به صورت داروی مسکنی برای روحیه افراد داغ دیده است». افزون بر این، انسان‌ها با گردهم آمدن در آیین‌ها و مراسم، برای همدیگر حمایت و تسلی به بار می‌آورند و از این طریق، ارزش‌ها و هدف‌های تثبیت شده را پشتیبانی می‌کند. هاشم ۶۰ ساله و بازنشسته که چندبار شاهد کُتل کردن اسب در سوگ بزرگان ایل بوده می‌گوید: «زمانی که عمویم فوت کرد برایش رسم کُتل را برگزار کردیم. بعد از مراسم تشیع جنازه تمام آشنایان و وابستگان جهت عرض تسلیت به خانه‌ی عمویم آمدن. با این کار صبر و تحمل انسان در درد و غم آسان‌تر میشه».

گرد هم آمدن افراد و کاری را به گونه‌ای دسته جمعی انجام دادن، به منزله بیان احساسات مشترک در قالب یک کنش جمعی است. در آیین گُتل اسب و ابزار جنگی متوفی که نمادی از دلاوری و شجاعت و فداکاری اوست به نمایش در می‌آید و اشعار حماسی در مدح او خوانده می‌شود. این مراسم روحیه از خودگذشتگی را در دل شرکت کنندگان زنده می‌کند. در این خصوص جعفر ۵۲ ساله و کشاورز در حالی که در خودش را برای مراسم آمده می‌کرد، می‌گوید: «همیشه در این آیین جمعی شرکت می‌کنم. با شرکت در این مراسم و دیدن ابزار جنگی مانند تفنگ و شنیدم اشعار حماسی، که نشان دهنده‌ی از خودگذشتگی بزرگان طایفه است آدم سعی می‌کند راه آنها را ادامه دهد».

تاب‌آوری (Resilience) به عنوان یکی دیگر از مفاهیم مقوله‌ی تحمل پذیری به معنای اطمینان فرد به توانایی‌هایش برای غلبه بر تنش، داشتن توانایی‌های مقابله‌ای، حرمت خود، ثبات عاطفی و ویژگی‌های فردی که حمایت اجتماعی از طرف دیگران را افزایش می‌دهد تعریف شده است. از نظر مشارکت کنندگان، این اجتماعات برای آنها امنیت می‌آورد، امنیتی که به معنای رهایی از خطرات جامعه، در امان بودن، بوجود آوردن آرامش و تاب‌آوری است. در این رابطه مظفر ۲۸ ساله و دانشجو می‌گوید: «فکر می‌کنم مراسم این چنینی در کاهش فشارهای زندگی خیلی مهم باشن. چون وقتی این جمعیت را می‌بینم که چگونه در برگزاری آن به همدیگر کمک می‌کنند یک حس اطمینانی در دلم ایجاد میشه که اگر روزی برای من هم مشکلی پیش بیاید و یا بخواهم چنین مراسمی را برگزار کنم تمام و ایل و تبارم به من کمک می‌کنند و تحمل مشکلات برایم راحت می‌شود».

### ۳. نتیجه‌گیری

مناسک و آیین‌ها به عنوان بخش مهمی از فرهنگ در هر جامعه‌ای وجود دارند. برگزاری آن‌ها به ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی و اعتقادی جامعه بستگی دارد. آن چه که این مناسک و آیین‌ها را در حیات اجتماعی جامعه ما از دیگر جوامع متمایز می‌سازد، نه وجود آن‌ها، بلکه ویژگی‌هایی خاصی که در شکل برگزاری و

نوع نمادها و نشانه‌های به کار رفته در آن‌ها می‌باشد. علاوه بر این، نحوه انتقال به فرهنگ جدید، تنوع، دیرپایی و قدمت، تأثیرگذاری، و نقش آفرینی آن‌ها در کنش‌های فردی و اجتماعی نیز مزید بر علت است. در این راستا پژوهش حاضر به دنبال تحلیل پدیدار شناختی آیین کُتل بر اساس تجربه‌ی زیسته‌ی مشارکت کنندگان ایل بختیاری در شهرستان دزفول بود. یافته‌های پژوهش نشان دهنده‌ی این است که پیشینه آیین کتل به برگزاری سوگ سیاوش باز می‌گردد که مخصوصاً در آیین تدفین مردگان بسیار نمایان است. یافته‌ای که همسو با پژوهش گیلانی و گیلانی (۱۳۹۳) است. علاوه بر این مشارکت کنندگان قبل از برگزاری آیین کتل، از زمان اجرای آن آگاه شده و خود را برای برگزاری آماده می‌کنند. آنان طی اجرا همراه با نمادهای خاص به صورت جمعی با همدیگر کنش متقابل دارند که اثر متقابلی نیز به دنبال دارد. به نظر می‌رسد مشارکت کنندگان به وقت اتمام آیین در اعمال و رفتارشان شباهت‌های بسیاری با هم دارند، هر چند که در زندگی تجربیات متفاوت دارند، اما پیش زمینه‌های ذهنی یکسانی در تفسیر و درک معنای نقش آیین‌های مشترک دارند، و به گونه‌ای واحد به این پدیده می‌نگرند. آنان با قرار گرفتن در کنار همدیگر، احساس آرامش خاطری را تجربه می‌کنند و موجب می‌شوند تا خود پاسدار هویت اجتماعی‌شان باشند؛ بر این اساس جامعه از طریق گسترش فضای اجتماعی و از بین رفتن موانع و محدودیت‌های اجتماعی برای قشرهای مختلف اجتماعی، به دنبال حفظ الگوهای هویتی خواهد بود. با اندکی اغماض می‌توان گفت که یافته‌ی اخیر با پژوهش مرشدی زاد (۱۳۸۷) و نظریه‌ی گافمن (۱۳۸۹) که اهمیت و ارزش آیین‌ها را در فرصت‌هایی که برای ما بوجود می‌آورند تا مشروعیت موقعیت را در ساختار اجتماعی تأیید کنند، مطابقت دارد.

«وحدت بخشی» دیگر مقوله‌ی پژوهش است. با توجه به این که روح همدلی، صمیمیت و احساس مسئولیت مشترک در بسیاری از جوامع امروزی رو به ضعف نهاده، چنین آیین‌هایی شرایطی را فراهم می‌آورند تا مشارکت کنندگان در کنار هم روحیه وحدت و



همبستگی را تقویت کنند. به طوری که خوانش اشعاری در وصف و ثنای فرد متوفی و حضور دسته‌های طوایف مختلف موجب ایجاد احساس همدلی و همدردی با طایفه و خانواده عزادار است. آیین کُتل علیرغم ارزش بخشیدن به غم، اندوه و درد و رنج، موجب نهادینه شدن بخشی از مناسبات اجتماعی و فرهنگی و پیوند دهنده نسل‌ها، انتقال باورها، مناسک، ادبیات شفاهی از گذشته تا به امروز بوده است. این آیین برای جامعه قومی و طایفه‌ای دارای ارزش‌های انسانی و اخلاقی بوده و به همین دلیل وحدت‌بخش و انسجام‌بخش جامعه است و می‌توان گفت یکی از مهمترین عوامل شکل‌دهنده ساختار و نظم جامعه است. این یافته، با نتایج پژوهش قلی پور (۱۳۹۶) درباره‌ی اهمیت وحدت و همبستگی اجتماعی در جریان برگزاری آیین سوگ مطابقت دارد. آیین‌ها بهترین انگیزه برای برپایی اجتماعات انسانی هستند و از این‌رو، مشارکت مردمی را در پی دارند. مشارکت خودانگیخته در آیین کُتل، مشارکت‌کنندگان را در تحقق زندگی بهتر و جامعه‌ای توسعه‌یافته کمک می‌کند و موجب کاهش بی‌تفاوتی، از خود بیگانگی اجتماعی و فرهنگی می‌شود لذا به نوعی توانمندی افراد را تقویت می‌کند، یافته‌ای که همسو با استدلال رودنبولر (۱۳۸۷) در رابطه با تأثیرگذاری آیین‌ها در زندگی ماست.

یکی از مهم‌ترین نیازهای روانی انسان‌ها، معنادار نگاه به زندگی و فرار از بی‌معنایی است. مشارکت‌کنندگان آیین‌ها را به‌عنوان عاملی برای معنادار کردن زندگی دانسته و به آن گرایش پیدا می‌کنند. به عبارتی، رفتار، اعمال و آدابی که در حین انجام این آیین انجام می‌شود؛ به‌مثابه مؤلفه‌ای معنابخش در زندگی مشارکت‌کنندگان نقش ایفا می‌کنند. این یافته همسو با استدلال گیرتز (۲۰۰۴)، پیرامون معنادهی و جهت‌دهی آیین‌ها و مراسم دینی به زندگی انسان‌هاست. در نهایت این‌که، بافت اصلی آیین کُتل همانند سوگ سیاوش، پیوند انسان را از طریق تکرار رفتارهای آیینی توسط مردم با ترکیه‌ی عاطفی-روانی مخاطب از طریق همذات‌پنداری با متوفی، برای او مجسم می‌کند. در واقع الگوپذیری و نیز همذات‌پنداری مشارکت‌کنندگان با متوفی به عنوان فردی شجاع و دل‌آور، با اتکاء به باور همانندی در زندگی شخصی، عامل مهم انگیزشی حضور آنان در این آیین است؛

باوری که ذهن آنان را برای پذیرش و تحمل سختی‌ها آماده می‌سازد. این یافته با نتایج پژوهش گیلانی و گیلانی (۱۳۹۳) پیرامون نقش آیین‌ها در معنابخشی به زندگی مطابقت دارد. در مجموع، مشارکت جامعه‌ی مورد مطالعه در آیین کُتل پیشینه‌ای اسطوره‌ای-تاریخی دارد. مشارکت‌کنندگان با شرکت ارادی و خودانگیخته در این آیین‌ها، ضمن هویت‌جویی و هویت‌یابی با هم‌تباران خود به دنبال معنابخشی به زندگی می‌باشند. همچنین می‌توان گفت گروهی از مردم نیز با شرکت در آیین مذکور تاب‌آوری و تحمل‌پذیری خویش را در مقابل مشکلات و دشواری‌های زندگی تقویت می‌کنند. علاوه بر این، ایجاد وحدت و تقویت روحیه همبستگی، از کارکردهای اجتماعی مشارکت افراد در آیین‌ها و مناسک جمعی است؛ استمرار و تداوم آیین کُتل گواهی بر تأیید این مدعاست.

### یادداشت‌ها:

۱. ایرانیان باستان همان گونه که برای خود و خانواده خویش از اهورا مزدا طلب نیکی می‌کردند، برای اسب خود نیز نیرومندی می‌خواستند. در اوستا از اسب به عنوان یکی از برگزیده‌ترین حیوانات نام برده شده و حتی برای معالجه و نیک نگاهداری از آن نیز دستوراتی آمده است و این نشانه‌ای از پاکی، اصالت و اهمیتی است که در فرهنگ ایرانی برای این حیوان قائل بودند (صالح پور، ۱۳۸۶: ۱۵۵).
۲. یک قبیله بومی آمریکایی در ایالت آریزونا ایالات متحده
۳. تپه‌های باستانی در چغامیش با قدمتی بیش از چهار هزار سال پیش از میلاد در ۳۰ کیلومتری جنوب شرقی دزفول قرار گرفته‌اند. کاوش‌های باستان‌شناسی که توسط مؤسسه‌ی شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو در سال‌های ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۶ میلادی انجام گرفت، نشان داد چغامیش شهری پیش از اختراع خط بوده که قدیمی‌ترین اسناد دریانوردی و همچنین تاریخ موسیقی ایران در آن به دست آمده است (لطیف پور، ۱۳۸۵).
۴. آنگاه که تابوت سهراب را نزد زال می‌برند، دم اسب وی را می‌برند و کوس او را می‌درند. بریده سمند سرافراز دم دریده همه کوس و رویینه خم و نیز تهمینه مادر سهراب در سوگ وی، دم اسبش را می‌برد. به مادر خبر شد که سهراب گرد به تیغ پدر خسته گشت و بمرد... همان تیغ سهراب را برکشید بیامد روان دم اسبش برید (فردوسی، ۱۳۶۹: ۹۷-۹۳)

۵. مصداق همچین رسمی را می توان در شاهنامه هم دید آنجایی که تابوت اسفندیار را نزد گشتاسپ بردند، پشوتن اسب وی را پیشاپیش سپاه راند، درحالی که موی یال و دم آن را بریده و زین را وارونه بر آن نهاده و گرز و خود و خفتان و دیگر افزار جنگی او را به زین آویخته بودند (به نقل از ندوشن، ۱۳۵۶: ۸۵).
۶. «هنوز در پاره‌ای از گوشه‌های دور، سیاوش شهید کامل و سرنوشت او نشان ظلمی است که انسان عرصه‌ی آنست در مراسم سوگواری نیز در کوه کیلویه زن‌هایی هستند که تصنیف‌های خیلی قدیمی را با آهنگ غمناکی به مناسبت مجلس عزا می‌خوانند و ندبه و مویه می‌کنند. این عمل را سوسپوش (سوگ سیاوش) می‌نامند» (مسکوب، ۱۳۵۱: ۸۱).
۷. اسب سیاوش برای سالم رساندن شهریار به ایران نقش مهمی داشت. در جنگ از میان همه‌ی چیزهای گرداگرد، اسب خوب‌ترین پهلوان و همزاد اوست. گزینش اسب خود یکی از آداب تشریف و درآمدن به سلک پهلوانان است. رستم یا سهراب و کیخسرو تنها پس از آن که جفت جنگ خود را می‌جویند و می‌بایند مرد کار و مهبای می‌دانند. بی چنین همزادی پهلوان ناتمام است. در سوگ سهراب و اسفندیار یال و دم اسبهایشان را می‌برند. زیرا اسب بی‌سوار دیگر آن باره‌ی «آهین سب که... چهارپای برزمین ایستاده نهصد و نود و نه بانگ برآورد.» نیست، چهارپایی ناقص و ابر است» (مسکوب، ۱۳۵۱: ۱۵۸-۱۵۷).

## کتابنامه

### الف. منابع فارسی

- از کیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۰). «بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهرستان کاشان». *نامه علوم اجتماعی*. دوره‌ی ۱۷، شماره ۱۷، صص ۳۱-۳.
- استفنسون، باری. (۱۳۹۷). *آیین*. ترجمه داریوش رضاپور. تهران: نشر حکمت.
- ارشادی فارسانی، اعظم. (۱۳۸۸). «آیین کتل‌بندون در ایل بختیاری». *فصلنامه نجوای فرهنگ*. شماره ۱۳، صص ۴۹-۵۴.
- الیاده، میرچا. (۱۳۹۴). *رساله‌ای در تاریخ ادیان*. ترجمه جلال ستاری. چاپ پنجم. تهران: انتشارات سروش.
- بیتس، دانیل و پلاگ، فرد. (۱۳۹۰). *انسان شناسی فرهنگی*. ترجمه محسن ثلاثی. چاپ نهم. تهران: انتشارات علمی.

- پالس، دانیل (۱۳۸۲). *هفت نظریه در باب دین، ترجمه محمدعزیز بختیاری*. قم: موسسه پژوهشی امام خمینی.
- حصوری، علی. (۱۳۸۴). *سیاوشان*. چاپ دوم. تهران: نشر چشمه.
- رودنولر، اریک. (۱۳۸۷). *ارتباطات آیینی از گفتگوهای روزمره تا جشن‌های رسانه‌ای شده*. ترجمه عبدالله گیویان. تهران: دانشگاه امام صادق.
- ریتزر، جرج. (۱۳۸۹). *نظریه جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن*. ترجمه شهناز مسمی‌پرست. تهران: نشر ثالث.
- ریویر، کلود. (۱۳۸۶). *انسان‌شناسی سیاسی*. ترجمه ناصر فکوهی. چاپ سوم. تهران: انتشارات نشر نی.
- صالح پور، زینب. (۱۳۸۶). «اسب در فرهنگ ایرانی». *فصلنامه نجوای فرهنگ*. سال دوم، شماره ۴، صص ۱۶۲-۱۵۵.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۹۸). *تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی*. چاپ دوازدهم. تهران: نشر نی.
- قائمی، فرزاد. (۱۳۹۳). «نقد و تحلیل ساختار آیینی اسطوره‌ی سیاوش». *فصلنامه نقد ادبی*. شماره ۲۵، صص ۱۸۴-۱۵۳.
- قبادی، علیرضا و علی‌پور، پروین. (۱۳۹۱). «تحلیل کارکردی مراسم و مناسک دینی». *دو فصلنامه اسلام و علوم اجتماعی*. سال چهارم، شماره ۸، صص ۹۲-۸۴.
- قلی‌پور، سیاوش. (۱۳۹۶). «مردم‌شناسی سوگ (پرس) در ایل کاکاوند». *فصلنامه نامه انسان‌شناسی*. سال پانزدهم، شماره ۲۷، صص ۱۴۷-۱۲۵.
- گیلانی، نجم‌الدین و گیلانی، آذرنوش. (۱۳۹۳). «سوگ سیاوش و شباهت آن به سوگ آیین‌های محلی». *فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران‌زمین*. دوره ۴، شماره ۱، صص ۲۰۲-۱۸۱.
- لطیف پور، احمد. (۱۳۸۵). *تاریخ دزفول*. تهران: انتشارات فرهنگ مکتوب.

- مددی، حسین. (۱۳۷۸). «آیین کتل: نمایش رمز و احساس در ایل بختیاری». *مجله نمایش*. شماره ۱۹-۱۴، صص ۵۶-۵۹.
- مرادخانی، صفیه؛ قبادی، پرستو. (۱۳۹۰). «آیین سوگواری در ایل کاکاوند». *فصلنامه فرهنگ مردم ایران*. شماره ۲۶، صص ۱۲۰-۹۴.
- مرشدی زاد، علی. (۱۳۸۷). «نمادها و آیین‌ها در ایران پس از انقلاب و نقش آن‌ها در همبستگی ملی». *فصلنامه مطالعات ملی*. شماره ۴، صص ۹۸-۷۳.
- مسکوب، شاهرخ. (۱۳۵۱). «سوگ سیاوش (در مرگ و رستاخیز)». تهران: انتشارات خوارزمی.
- مُل، ژول. (۱۳۶۹). *شاهنامه فردوسی*. به کوشش جهانگیر افکاری. جلد دوم. تهران: جیبی.
- یاسپرس، کارل. (۱۳۷۳). *آغاز و انجام تاریخ*. ترجمه محمدحسن لطفی. چاپ دوم. تهران: نشر خوارزمی.

### ب. منابع لاتین

- Bell, C. (1992). *Ritual Theory, Ritual Practice*. New York: Oxford University Press.
- Geertz, C. (2004). "Religion as a cultural System", in M. Banton (ed.) *Anthropological Approaches to the study of Religion*, A.S.A. Monographs no.3, London.
- Glaser, B., & Anselm S. (1967). *The Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research*, Aldine Transaction.

### References

- Azkia, M., & Ghafari, GH. (2001). The relationship between trust and social participation in the villages of Kashan County. *Journal of Social Sciences Letter*. 17(17), 3-31. (in Persian)
- Bates, D., & Plog, F. (2011). *Cultural Anthropology* (9<sup>th</sup> ed.). (M. Salasi, Trans.). Tehran: Elmi Publications. (in Persian)
- Bell, C. (1992). *Ritual Theory, Ritual Practice*. New York: Oxford University Press. (in English)

- 
- Ershadi Farsani, A. (2009). Ritual of Kotal Bandoon in Bakhtiari Tribe. *Najvaye Farhang*. 13, 49-54. (in Persian)
  - Fakouhi, N. (2019). *History of Anthropological Thought and Theories* (12<sup>th</sup> ed.). Tehran: Ney Publication. (in Persian)
  - Geertz, C, (2004). "Religion as a cultural System", in M. Banton (ed) *Anthropological Approaches to the study of Religion*, A.S.A. Monographs no.3, London. (in English)
  - Ghaemi, F. (2014). Criticism and analysis of the ritual structure of Siavash myth. *Literary Criticism*. 25. 153-184. (in Persian)
  - Ghebadi, A., & Alipour, P. (2012). Functional analysis of religious ceremony and rituals. *Biannual Journal of Islam and Social Sciences*. 4(8). 84-92. (in Persian)
  - Gholipour, S. (2017). Anthropology of Sog (Pers) in Kakavand Tribe. *Iranian Journal of Anthropology*. 15(27). 125-147. (in Persian)
  - Gilani, N., & Gilani, A. (2015). Analytical and comparative studying of Lurish and Kurdish mourning rituals of Siavash in comparison with tradition of mourning in Shahnameh. *Journal of Iranian Regional Languages and Literature*. 4(1), 181-202. (in Persian)
  - Glaser, B., and Anselm S. (1967). *The Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research*, Aldine Transaction. (in English)
  - Hosouri, A. (2005). *Siavoshan* (2<sup>nd</sup> ed.). Tehran: Cheshemeh Publication. (in Persian)
  - Jaspers, K. (1994). *The Origin and Goal of History* (M. Latifi, Trans.). (2<sup>nd</sup> ed.). Tehran: Kharazmi Publications. (in Persian)
  - Latifpour, A. (2006). *A History of Dezful*. Tehran: Farhang Maktoub Publications. (in Persian)
  - Madadi, H. (1999). Kotal ritual: a display of secrets and senses in Bakhtiari Tribe. *Namayesh*. 19(14). 56-59. (in Persian)
  - Meskouh, S. (1972). *Siavash's Mourning: Death and Resurrection*. Tehran: Kharazmi Publications. (in Persian)
  - Mircea, E. (2015). *A Dissertation on the History of Religions* (J. Sattari, Trans.). Tehran: Soroush Publication. (in Persian)
  - Mohl, J. (1990). *Ferdowsi's Shahnameh* (J. Afkari, Compiled.). (Vol. 2). Tehran: Jibi. (in Persian)

- 
- Moradkhani, S., & Ghobadi, P. (2011). Mourning ritual in Kakavand Tribe. *Journal of Iranian People's Culture*. 26, 94-120. (in Persian)
  - Morshedzad, A. (2008). Symbols and Rituals in Iran after the Revolution and their role in national unity. *Journal of National Studies*. 4, 73-98. (in Persian)
  - Pals, D. (2003). *Seven Theories of Religion* (M.A. Bakhtiari, Trans.). Qom: Imam Khomeini Education and Research Institute. (in Persian)
  - Ritzer, G. (2010). *Contemporary Sociological Theory and Its Classical Roots* (S. Masmi Parast, Trans.). Tehran: Sales Publication. (in Persian)
  - Riviere, C. (2007). *Political Anthropology* (3<sup>rd</sup> ed.). (N. Fakouhi, Trans.). Tehran: Ney Publication. (in Persian)
  - Rothenbuhler, E. (2008). *Ritual Communication: From Everyday Conversation to Mediated Ceremony* (A. Givian, Trans.). Tehran: Imam Sadiq University. (in Persian)
  - Salehpour, Z. (2007). Horse in Iranian culture. *Najvaye Farhang*. 2(4). 155-162. (in Persian)
  - Stephenson, B. (2018). *Ritual: A Very Short Introduction* (D. Rezapour, Trans.). Tehran: Hekmat Publication. (in Persian)